

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ
سال دوم، شماره‌ی هفتم، ۱۳۹۰، صص ۹۳-۱۲۰

شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیّه اصفهان در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی

حجت فلاح توتکار*، محمد بیطرفان**

چکیده

در پی انقلاب مشروطه، زمینه‌ی حضور مردم در ساماندهی قلمروهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فراهم شد. توده‌ی مردم بعد از قرن‌ها تحمل استبداد، زمینه‌ی حضور و مشارکت خود را در تعیین سرنوشت خویش فراهم آوردند. همین امر، زمینه‌های فوق‌العاده‌ای را برای احساس ضرورت تدوین قانون بلدیّه از سوی نمایندگان مجلس شورای ملی فراهم آورد. با تصویب و توشیح قانون بلدی در ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ برخی شهرهای ایران انجمن بلدیّه تشکیل دادند. یکی از این شهرها اصفهان بود. انجمن بلدیّه‌ی اصفهان توانست برخی فعالیت‌های عام‌المنفعه‌ی شهری را مثل حفظ بهداشت و نظافت شهری، اعلام نرخ ارزاق، مقابله با کم‌فروشی و گران‌فروشی، مرمت آثار تاریخی، روشنایی شهر و ... برای رفاه و آسایش مردم اصفهان انجام دهد.

واژگان کلیدی: اصفهان، انتخابات، انجمن بلدیّه، اداره بلدیّه، وثیق‌الملک.

* استادیار تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین. (hojjat.fallah@yahoo.com)

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین.

(Mohammad_bitarafan894@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۴ - تاریخ تأیید: ۹۱/۲/۳۱

مقدمه

یکی از اهداف اصلی انقلاب مشروطه توجه به نظر مردم با تکیه بر ایجاد نهادهای مدنی بود. در این میان، انجمن بلدیه به دلیل برخورداری از کارکرد منحصر به فرد، آرزوی مردم را برای پیاده کردن الگوهای نو شهرنشینی محقق می‌ساخت. چنانچه به زعم روزنامه کشکول، اولین ثمره و عصاره‌ی مشروطیت و «بزرگترین آثار تمدن در هر مملکت تشکیل (مونیسی‌پالیته) اداره بلدیه» بود.^۱ روزنامه ناقور اعتقاد داشت تا زمانی که این نهاد به‌طور صحیح صورت نپذیرد، رفاه و آسایش مردم و پیشرفت در صنعت و تعالی کشور به وقوع نخواهد پیوست.^۲ بر این مبنا، نمایندگان ملت در دارالشورای ملی به این مهم رسیده بودند و خواهان نفوذ و گسترش قدرت مردم در امور شهری بودند. بدین خاطر، قانون بلدی را گردآوری و تصویب کردند، زیرا تصور می‌کردند «با تشکیل انجمن‌های بلدی از نمایندگان مردم، قدرت مشروطیت در شهرستان‌ها» فزونی خواهد گرفت.^۳

فعالیت‌های انجمن برای تثبیت قیمت‌ها، منع احتکار و دیگر امور شهری، این نهاد را در پیوند و ارتباطی مستمر با زندگی شهروندان قرار می‌داد. در این میان، انجمن بلدیه اصفهان پس از تأسیس، قدرت و مشروعیت فراوانی داشت؛ چنان‌که خاطره‌ی آن - حتی با گذشت سال‌ها - در ذهن مردم جای داشت.

درباره‌ی پیشینه تحقیق، شایان ذکر است که کارهای پراکنده و بسیار اندکی صورت گرفته است که بیشتر به شکل‌گیری انجمن می‌پردازند. نوشتار حاضر، به دنبال بررسی شکل‌گیری و عملکرد انجمن بلدیه اصفهان با تکیه بر منابع اصیل و اسناد منتشر نشده است.

سؤالاتی که پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخ آنها بوده است، عبارتند از: ۱. انجمن بلدی اصفهان چگونه شکل گرفت؟ ۲. روابط انجمن بلدیه با حاکم اصفهان و دیگر مقامات حکومتی و انجمن ولایتی اصفهان چگونه بود؟ ۳. این انجمن چه اقدامات مشخصی برای سامان‌دهی به امور شهری انجام داد؟ ۴. این انجمن چه تأثیری در روشنگری مردم در زمینه‌ی حقوق شهروندی و مدنی‌شان داشته است؟

۱. کشکول اصفهان، سال دوم، ش ۲۰-۲۱، پنجشنبه ۲۱ جمادی الاول ۱۳۲۷، ص ۷.

۲. ناقور، سال اول، ش ۲، سه‌شنبه ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، ص ۵.

۳. مهدی ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۳، تهران، علمی، ص ۵۹۶.

ضرورت‌های اولیه تشکیل انجمن بلدیّه

مشکلات فزاینده و فراگیر شهر اصفهان، انجمن ولایتی این شهر را برآن داشت تا سیاست تشکیل انجمن بلدیّه را پیش گیرد.^۱ این مشکلات از جزئی‌ترین تا کلی‌ترین امور، به‌خصوص در مبحث ارزاق، انجمن ولایتی اصفهان را در تنگنا قرار داده بود. در این گفتار به برخی عوامل مؤثر در ایجاد فکر تشکیل بلدیّه اشاره می‌شود:

۱. وضع عمومی اصفهان قبل از مشروطیت

وضع عمومی اصفهان از لحاظ خدمات عمومی تا قبل از تشکیل اداره بلدیّه بسیار بد بود؛ به طوری که مردم شهر علاوه بر رعایت نکردن «حفظ‌الصحه» عمومی، هر روز مجبور بودند «خاکروبه»‌های خود را به روستاهای همجوار ببرند. در انجمن ولایتی اصفهان، ضمن بحث در این باره، از محاسن بلدیّه سخن گفته و اول فایده آن «پیروی دین مبین» عنوان می‌شد.^۲ با تفکیک مسئولیت‌ها، هم نهادی مردمی برای تقویت درک شهری مشروطه ایجاد می‌شد و هم پاره‌ای از مشکلات معیشتی بسیار مهم، از دوش انجمن ولایتی برداشته می‌شد.

۲. ایجاد شغل برای کم کردن جرم و جنایت

در کنار نفع عمومی بلدیّه، با تأسیس آن، فضای کاری مناسبی هم ایجاد می‌شد و بیکاران زیادی که وجودشان «جز نظام عالم باطل و عاطل» بود و از فقر و فاقه به اعمال پست و نامشروع می‌پرداختند، وجودشان قرین سود، هم برای خود و هم برای شهر می‌شد.^۳

۳. گرانی و بی‌کیفیتی نان

نان همواره اصلی‌ترین وعده‌ی غذایی در سفره ایرانی بوده است. در این میان، کیفیت و قیمت آن، همیشه، علت اعتراضات مردمی بوده و بدین خاطر بلوای نان در اقصی نقاط

۱. بر طبق بند ۱۲ قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام تنظیمات، تشکیلات و اقدامات اولیه انتخابات انجمن بلدی به حکومت محول شده و در این راستا، انجمن ولایتی عهده‌دار وظیفه‌ای نیست. تنها وظیفه‌ای که می‌توان در این‌طور مواقع برای انجمن ولایتی برشمرد، تذکر و اخطار به حکومت در جهت اجرای وظایف قانونی خود از جمله تشکیل بلدیّه بود.

۲. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال اول، ش ۸، یکشنبه ۱۱ محرم ۱۳۲۵، صص ۲-۳.

۳. همانجا.

ایران در مقاطع مختلف شکل می‌گرفته است. در یکی از جلسات انجمن ولایتی اصفهان «... سیدی وارد انجمن شد و قدری نان خمیر سیاه آورد که این نان شهر است». با این رخداد، ترس انجمن ولایتی در وارد شدن به این معرکه کاملاً مشخص شد. چنانچه «جناب شیخ الاسلام گفتند که انگشت مزیند امر نان را هرگاه مذاقه و مداخله کنیم بدتر میشود.»^۱

۴. تداخل امور بلدی در ساز و کار انجمن ولایتی

در اوایل شکل‌گیری انجمن ولایتی، تداخل امور بلدی انجمن را به انجام کارهای اضافی و طاقت‌فرسا مجبور کرد و آن را از وظیفه‌ی اصلی خود بازداشت؛ زیرا برآوردن حوائج عمومی، اغلب با ددرسهای فوق‌العاده‌ای روبه‌رو بود. مثلاً اعتراضات بر سر کیفیت و کمیت ارزاق، امور انجمن ولایتی را دائماً مختل می‌کرد. شکایت از گرانی پنیر از جمله‌ی این اعتراضات بود. اعضای انجمن ولایتی هم در بیشتر جلسات ناخشنودی خود را از این گرانی‌ها نشان می‌دادند.^۲

۵. نبود قانون مدون و نظارت بر امور کاسب‌ها

امور مربوط به بازار کسب و کار، بر نظم و ترتیب مشخصی مبتنی نبود. هر کاسب، بر مبنای برداشت خود از نوع و نحوه‌ی کاسبی، کارهایی می‌کرد که رفته‌رفته در میان کاسب‌ها به سنت تبدیل می‌شد. مثلاً، دادو فریادهای فروشندگانه‌ها هنگام فروش اجناس خود یا سد معبر و ... از این دست ناهنجاری‌های بازار کسب بود. چنان‌که نخستین نغمه‌های نیاز به بلدیّه در اصفهان زمانی شکل گرفت که مردم از سدّ معبر کسبه در شوارع و خیابان‌ها به انجمن ولایتی گلایه نمودند.^۳

۱. جهاد اکبر، سال اول، ش ۲۲، ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵، ص ۶.

نخستین باری که مردم اصفهان از امنای دولت آشکارا خواستار نظامنامه بلدی شدند، به‌خاطر بی‌نظمی و اختلال در امر نان بود. در این ماجرا که در بیست و یک محرم ۱۳۲۵ رخ داد، نشانه‌هایی از اعتراض به عملکرد حکومت اصفهان و حاکم مستبد نهفته بود (الجناب، سال اول، ش ۱۲، ۲ صفر ۱۳۲۵، صص ۳-۴). به هر حال، به نظر می‌رسد مردم اصفهان نخستین شهروندان ایرانی بودند که به‌صورت کلی درخواست نظامنامه مزبور را جهت انتظام امور شهری خواستار شدند.

۲. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال اول، ش ۳۵، یکشنبه ۲۲ رجب ۱۳۲۵، ص ۶.

۳. عبدالمهدی رجایی، «انجمن ایالتی و خواسته‌های اجتماعی مردم اصفهان»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۶، بهار ۱۳۸۴، صص ۲۵۹-۲۶۰.

این مشکلات، تشکیل انجمن بلدی را برای انجمن ولایتی ضروری ساخت. از این‌رو ضرورت ایجاد نهاد بلدی آن‌چنان در ذهن انجمن ملی اصفهان شکل گرفت که برای بلدیه‌ای که هنوز نظامنامه‌اش نوشته نشده بود، ردیف مالی خاصی مشخص کردند.^۱

انتخابات

با نصب نیرالدوله به حکومت اصفهان، تلاش زیادی برای تشکیل انجمن‌های رسمی در شهر و بلوکات صورت گرفت.^۲ هر چند روزنامه *ندای اسلام* حکومت نیرالدوله را بر اصفهان به «بلای ناگهانی یا بدبختی اهل اصفهان» تعبیر می‌کند،^۳ تقریباً دو ماه پس از تصویب و توشیح نظامنامه‌ی بلدی، یعنی در اواخر ماه جمادی‌الثانی ۱۳۲۵، مقدمات تشکیل انجمن بلدی اصفهان با ارسال نظامنامه‌ی آن از سوی دولت *علی اصغر خان امین‌السلطان* به انجمن ولایتی فراهم شد.^۴

عصر روز چهارشنبه، ۲۶^۵ رجب ۱۳۲۵ مجلس نظار با حضور «معاریف بلاد ناموران محلات» جهت تشکیل انجمن بلدیه در منزل جناب *وثیق‌الملک*^۶ شکل گرفت. در این

۱. چنانچه «... هر فردی از افراد اهالی در سال بجه اندازه خسارت و کسر لباس از کثافت و ناهمواری کوجه‌ها دچار است و دستگاه کالسکه و درشکه و غیره چه مقدار کسر شکستن چرخ و ضایع شدن اسباب و علیل شدن اسب و از پا درآمدن مال‌های سواری گرفتار مسلم است اگر بزرگان در سال عشر مخارج تعمیرات درشکه و کالسکه و نعل‌بندی اسب و غیره و فقراء عشر تعمیرات در و دیوار خانه‌ها که از شدت گل و لای زمستان و گرد و خاک تابستان خراب و ضایع میشود باین اداره بدهند یعنی خرج تسطیح و تنظیف معابر بطور صحیح نمایند از تمام این صدمات و لطمات آسوده خواهند بود...» *انجمن مقدّس ملی اصفهان*، سال اول، ش ۸، یکشنبه ۱۱ محرم ۱۳۲۵، صص ۲-۳.

۲. میرزا حسن خان جابری اصفهانی، (۱۳۳۰ ق)، *تهذیب الاخلاق به همراه رساله اصفهان و ری*، چاپ سنگی، ص ۱۸۶.

۳. *ندای اسلام*، سال اول، ش ۲۳، جمعه ۱ جمادی الاول ۱۳۲۵، ص ۵.

۴. *جهاد اکبر*، سال اول، ش ۲۳، چهارم رجب ۱۳۲۵، ص ۵.

۵. *روزنامه انجمن مقدّس اصفهان* روز پنجشنبه ۲۶ رجب را زمان گرد آمدن بزرگان در خانه *وثیق‌الملک* می‌داند. انجمن مقدّس ملی اصفهان، ش ۳۷، یکشنبه ۶ شعبان ۱۳۲۵، ص ۱.

۶. *وثیق‌الملک* فرد سرشناس و خوشنامی بود. پدرش *مشیرالملک* انصاری پیشکار سابق *ظل‌السلطان* بود. *وثیق‌الملک* با قتل پدرش (که انگشت اتهام را به سوی *ظل‌السلطان* نشان می‌داد) از اصفهان خارج شد و

جلسه با کوشش و تلاش وثیق‌الملک و ثقة‌الاسلام، اعضای هیئت نظار محلات نوزده‌گانه‌ی اصفهان مشخص شدند. همچنین ثقة‌الاسلام برگ‌های تعرفه انتخاباتی را منتشر کرد و «بمعروفین محلات» سپرد تا با توجه به نظامنامه‌ی بلدی «باشخاص بدهند که هر یک منتخب خود را معین نموده در ورقه سفید بی‌نشان» بنویسند و در روز پنج‌شنبه به کاخ چهل‌ستون آورند و در محل رأی‌گیری به هیئت نظار تحویل دهند. تعداد برگه‌های تعرفه انتخابات چهارصد عدد بود و تعداد اشخاص نامداری که این اوراق را دریافت کردند از قرار بیست و شش نفر بود.^۱

با گذشت زمان و پخش تعرفه‌های انتخابات، برخی از دست‌اندرکاران انجمن ولایتی و هیئت نظار گلایه کردند که برخی افرادی که تعرفه انتخاباتی دریافت می‌کنند، از شرایط انتخابات در نظامنامه بی‌خبرند. از این‌رو قرار شد نظامنامه چاپ و در اختیار رأی‌دهندگان قرار گیرد.^۲ سرانجام، با پایان یافتن انتخابات، اسامی اعضای اولین دوره‌ی انجمن بلدیه اصفهان مشخص شد.

در نخستین جلسه‌ی انجمن، وثیق‌الملک با اکثریت آرا به ریاست انجمن بلدیه انتخاب شد.^۳ یکی از نکات جالب این جلسه، اظهارنظر وثیق‌الملک درباره‌ی نان و گوشت شهر بود. در پی سخنان او دیگر اعضای انجمن با تأکید فراوان، به تصدیق پیشنهاد جناب رئیس پرداختند و هیچ‌یک نظری ندادند. وثیق‌الملک با دیدن این وضعیت، با خشم، رو به اعضای بلدی گفت: معنی وکالت این نیست که «بیاید اینجا بنشینید و متابعت رأی» مرا نمایید.^۴ این سخن باعث شد بعدها، برخی از اعضای انجمن صاحب‌نظر شوند و در مقاطع حساس آن را یاری دهند.

تقریباً پس از انقلاب مشروطه به موطنش بازگشت. محمدرضا عسکرانی، (۱۳۷۸)، «نقش مردم اصفهان در نهضت مشروطیت ایران»، مجموعه مقالات، ج ۱، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ص ۱۸۰.

۱. جهاد اکبر، سال اول، ش ۲۶، غره شعبان ۱۳۲۵، ص ۸.

۲. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال اول، ش ۳۷، یکشنبه ۶ شعبان ۱۳۲۵، ص ۲.

۳. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۱ (۵ رمضان ۱۳۲۵) ص ۴.

۴. پروانه، سال اول، ش ۲، سه‌شنبه ۱۴ شوال ۱۳۲۸، ص ضمیمه روزنامه.

انجمن، ریاست اداره‌ی بلدیّه را به میرزا حاجی کلانتر واگذار کرد؛ میرزا مهدی خان، پسرش، معاون شد و سید میرزا ابوالحسن برای انجام امور دفتری انتخاب شد.^۱ اما این تصمیمات، خلاف نظامنامه‌ی بلدی بود؛ زیرا براساس ماده‌ی ۹۳ نظامنامه، ریاست اداره بلدیّه بر عهده‌ی رئیس انجمن بلدیّه نهاده شده بود.

به نظر می‌رسد، چندی پس از افتتاح انجمن بلدیّه اصفهان تحرکاتی برای بی‌اثر کردن عملکرد آن شکل گرفت که چون انجمن کار خود را با اقتدار انجام می‌داد، مستبدان و کسانی که در نبود انجمن قانونی، از نعمات آن بهره‌مند بودند، برای تخریب و از بین بردن وجهی عمومی بلدیّه گام برداشتند. مثلاً چند بار، عده‌ای را برای اعتراض به انجمن تحریک کردند که اعتراض سادات از این قبیل بود.^۲

فعالیت‌های مستبدان باعث استعفای وثیق‌الملک، رئیس انجمن بلدیّه شد، ولی «روز یکشنبه چهارم قریب پنجهزار نفر جمع شدند و رفتند در خانه ایشان که ایشانرا بانجمن ببرند تحقیق کردند که ایشان رفته‌اند بمهمانی در محلّه پاقلع و مخفی نشده‌اند رفتند و ایشانرا بجبر از خانه بیرون آوردند و در کمال عزّت رو بانجمن آوردند و سر هر گذری این مساحت بعیده را یک گوسفند کشتند و تمام ذکرشان این بود که هر جا دشمنی بشما سراغ کردیم او را بدنجان ریزرز خواهیم کرد معلوم است کسیکه خیالش خدمت بملت باشد براستی و درستی ملت هم در حق او اینطور جانفشانی میکنند.»^۳

حمایت بی‌چون و چرای مردم از انجمن بلدی، به نوع نگاه آنان به این نهاد مدنی تازه تأسیس بازمی‌گشت؛ زیرا این انجمن حقوق آنها را که تا قبل از مشروطیت به یغما می‌رفت، به آنان بازمی‌گرداند. اعتبار انجمن و اداره‌ی بلدی به حدی بود که «بمحض یک اعلان استعفا تمام دکانین اصفهان بسته شد... و تا بلدیّه باز نشد و بر سر کار نیامد اهالی مشغول کسب نشدند.»^۴

۱. انجمن بلدیّه، سال اول، ش ۴، رمضان ۱۳۲۵، ص ۱؛ کشکول اصفهان، سال دوم، ش ۲۰-۲۱، پنجشنبه ۲۱ جمادی الاول ۱۳۲۷، ص ۷.

۲. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۶، یکشنبه ۱۰ شوال ۱۳۲۵، صص ۵-۶.

۳. انجمن بلدیّه، سال اول، ش ۸، شوال ۱۳۲۵، ص ۳.

۴. پروانه، سال اول، ش ۱۵، سه‌شنبه ۲۹ محرم ۱۳۲۹، ص ۵.

اولویت‌های انجمن بلدیه

مسائلی که در انجمن مطرح می‌شد، معمولاً دغدغه‌ی اصلی کارگزاران را نشان می‌داد. اولویت‌های انجمن بر مبنای آینده‌نگری و نوع نگاهِ اعضاء به پروسه‌ی بلندمدت انجمن بود که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. سرشماری نفوس

سرشماری نفوس یکی از دغدغه‌های اصلی انجمن بود؛ زیرا منافع زیادی داشت و انجمن می‌توانست آذوقه مورد نیاز شهر را در مقاطع زمانی مختلف تخمین بزند و از وقوع قحطی یا گرانی حاصل از کمبود آذوقه یا احتکار آن جلوگیری کند. این مهم در یکی از جلسات انجمن مطرح و بلافاصله تصویب شد. قرار شد از طریق اجزای اداره بلدیه، اعلامیه‌ها به در و دیوار محلات مختلف چسبانیده و به مردم اطلاع داده شود.^۱

۲. درخواست‌های انجمن ولایتی اصفهان

انجمن ولایتی اصفهان خواستار پیگیری سه کار مهم از انجمن بلدیه بود: «... یکی نمره خانه‌ها است دویم تعداد نفوس بلد سیم سنگ موازین که مهر نمایند و قسمی که در بلد و توابع شهر از بلوکات یکی باشد و اختلاف نداشته باشند...»^۲

۳. درخواست روزنامه‌ها

پس از تأسیس انجمن و اداره‌ی بلدیه، درخواست‌های ویژه‌ی جراید هم مطرح شد. به عنوان مثال، روزنامه *اصفهان*، پس از عرض تبریک به مناسبت تأسیس بلدیه دو درخواست از انجمن دارد: یکی اینکه «حضرات خراط» را مانع شوند که در مکان‌های عمومی به شغل خود نپردازند، زیرا «با این شدت که کمان خود را می‌کشند و تا وسط معابر می‌برند گمان و بلکه یقین است که غفلت به چشم و پهلوی این و آن خواهد خورد و باید اوقات عابریں صرف حفظ جان و یا آماده برای نقصان از قبیل کوری و شکستن استخوان باشد» دیگر

هر چند انجمن بلدیه در میان مردم اعتبار داشت، در این میان افرادی بودند که بر اساس منافع شخصی یا صنفی، در برابر انجمن صف‌آرایی کردند. بارزترین آن اعتراض و درگیری صنف تجار با انجمن بود که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

۱. انجمن بلدیه، سال اول، ش ۱۴، شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۲. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۹، یکشنبه ۲ ذیقعد ۱۳۲۵، ص ۷.

اینکه «حیواناتی که بار به شهر می‌آورند. اولاً به قدر امکان قبل از طلوع آفتاب بیاورند... و ثانیاً لاقلاً قطار بکنند و آن طور عبور بدهند که بکلی کوچه و بازار را سد نکنند.»^۱

روابط انجمن بلدیّه با حکومت اصفهان و انجمن ولایتی

الف. تعامل انجمن بلدیّه با حکومت اصفهان خوب نبود؛ زیرا فعالیت‌های بلدیّه به پاره‌ای از اختیارات حکومت که سالیان دراز تحت سیطره حاکم قرار داشت، دست می‌برد. از این‌رو، احترام نگذاشتن حاکمیت به استقلال انجمن و سنگ‌اندازی در اقدامات آن، سرانجام انجمن را از پای درآورد.

حکومت اصفهان این نهاد را سازمانی مستقل نمی‌شناخت و دعوی آن را به انجمن ولایتی ارجاع می‌داد. برای مثال، محمد جعفر خوانساری شکایت انجمن بلدی را به انجمن ولایتی ارجاع داد و گفت که بارها هشدارهای لازم را در زمینه استیفای «چهار صد و شصت و هشت تومان و هشت قران و شش خروار چهل من جنس مواجب سرایه‌دارها» به حاکمیت داده‌ایم، تا برای مصارف بلدیّه ردیف مالی خاصی داشته باشیم اما «حضرت والا جوابی مساعد» نمی‌دهند.^۲

با تمهیداتی که ثقة‌الاسلام، رئیس انجمن ولایتی اندیشید، تصمیم گرفته شد مصلح‌السلطنه از طرف انجمن نزد حاکم برود و کسب تکلیف کند. ولی جوابی که آورد، مشحون از بی‌اطلاعی حاکم از نهاد بلدیّه و قوانین مربوط بود؛ به طوری که حاکم گفته است: «من از انجمن بلدی اطلاع ندارم و رئیس آنرا نمی‌شناسم باید انجمن بلدی اظهارات خود را بانجمن ایالتی اخطار نماید و از طرف انجمن مقدّس انجام آن خواسته شود.» ولی این خواسته با توجه به ماده‌ی صریح نظامنامه، از طرف دو انجمن رد شد.^۳ مورد دیگر، درباره‌ی ادعای کرایه‌های میدان نقش جهان براساس نظامنامه بود که طبق معمول، حاکم این نهاد را مستقل نشناخت و مسئله را به انجمن ولایتی ارجاع داد.^۴

۱. اصفهان، سال اول، ش ۲۴، ۲۹ رمضان ۱۳۲۵، ص ۱.

۲. جهاد کبیر، سال اول، ش ۳۳، رمضان ۱۳۲۵، ص ۸.

۳. همانجا.

۴. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۲، یکشنبه ۱۲ رمضان ۱۳۲۵، ص ۲.

حکومت در کنار به رسمیت نشناختن انجمن بلدیه، تمایلی هم به اجرای خواسته‌های آن نداشت. بنابراین، برخلاف ماده‌ی صریح نظامنامه،^۱ با انجمن همکاری نمی‌کرد. به عنوان مثال، انجمن برای اجرای قوانین خود، از نیرالدوله، حاکم اصفهان نیروی قهریه طلب می‌کند که با مخالفت او روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل، خود انجمن برای پیشبرد اهدافش دست به کارهای اجرایی می‌برد. مثلاً برای جلوگیری از اقدام «شتردارها» به خروج روغن، از جانب خود نیروی قهریه تشکیل می‌دهد و اعزام می‌کند.^۲ اما با عتاب و برخورد نیرالدوله روبه‌رو می‌شود. او اعتقاد داشت «انجمن حق سوار فرستادن ندارد.»^۳

علی‌ای‌حال، به دلیل همکاری نکردن حکومت با انجمن بلدیه و درگیری آن با نیرالدوله، حاکم اصفهان، اعضای انجمن استعفای دسته‌جمعی کردند.^۴ اما با حمایت همگانی مردم اصفهان از این نهاد شهری^۵ و واکنش انجمن ولایتی، حاکمیت مجبور به عقب‌نشینی شد.

برخورد بلدیه با نهاد حکومت، بخش مالی شهر را هم در بر می‌گرفت. اعتراض میرزا اسدالله‌خان، وزیر حاکم، به انجمن ولایتی در باب اینکه می‌خواهد قریب به هزار تومان

۱. ماده ۹۱ نظامنامه بلدی کلیه اقدامات انجمن را به امضای حاکم و اجرای اداره پلیس معتبر می‌دانست. بنابراین همکاری نکردن حکومت در زمینه اجرای قوانین بلدی، یکی از مشکلات اساسی انجمن بود که بعدها باعث شد انجمن، اداره پلیس را بر عهده بگیرد.

۲. انجمن بلدیه، سال اول، ش ۱۰، شوال ۱۳۲۵، صص ۳-۴.

۳. همانجا.

۴. اقدامات انجمن بلدی جهت تسریع امور بهینه شهری حمایت و قوه اجراییه حکومت را می‌طلبید. هر چند در این راه با سنگ‌اندازی حاکمیت روبه‌رو می‌شد، مجبور بود برای اجرای اوامرش خود دست به کار شود که با قهر حاکم روبه‌رو می‌شد، زیرا حاکمیت اعتقاد داشت «حق او (انجمن بلدی) حکم است و حق حکومت اجرا...» (انجمن مقدس اصفهان، سال اول، ش ۴۸، یکشنبه ۲۴ شوال ۱۳۲۵، ص ۳). ولی این سخن شعار حکومت بود، زیرا در عمل، هیچ همکاری‌ای صورت نمی‌گرفت. هر چند جریده‌ی مجلس هم این عمل انجمن بلدی را تقبیح و حق را به حکومت می‌داد. مجلس، سال اول، ش ۲۲۱، چهارشنبه ۲۷ شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۵. سید احمد عقیلی، (۱۳۸۵)، نگرشی بر مشروطیت اصفهان، اصفهان، سازمان تفریحی شهرداری اصفهان، ص ۱۷۵.

۶. انجمن بلدیه، سال اول، ش ۱۰، شوال ۱۳۲۵، صص ۳-۴.

برای قراسوران وصول کند اما مردم مالیات نمی‌دهند، از همین منظر بود؛^۱ زیرا، پس از تحقیقات مشخص شد که انجمن بلدی با توجه به ماده ۹۴ نظامنامه، مالیات عوارض شهری را حق خود می‌دانست و آن را وصول می‌کرد.^۲ به اصناف نیز دستور داده بود مالیات را فقط به انجمن مزبور بپردازند، به طوری که تحصیلدار حکومت نیز وقتی برای مطالبه حقوق قانونی نزد رؤسای اصناف رفت، با تعجب رئیس اصناف مواجه شد که گفت: «پس اینا کوجا شاه عباس نشسته‌ان چی چی میگوئن؟»^۳

بر اساس چنین تفکری، بعدها انجمن بلدیّه عارض شد که حکومت بر برخی اشخاصی که مالیات خود را به انجمن داده‌اند، دوباره فشار مالیاتی وارد آورده است. بعد از مذاکرات زیاد، تصمیم گرفته شد یکی از سه راه‌حل را مرعی دارند: «اول هر دو وصول نمود و نزد ثالثی بسپارند دویم تا ده روز طرفین صبر کنند تا از دارالخلافه خبر برسد یا آنکه از طهران کسب تکلیف نمایند که در حقیقت دو شق آخر یکی می‌شود.»^۴ البته، مشخص بود که انجمن و حکومت اصفهان هرگز بر سر مطالبات خود کوتاه نخواهند آمد. به همین دلیل، راه‌حل مشکلات انجمن بلدی و نهاد مالی اصفهان از مجلس شورای ملی خواسته شد.^۵ در کنار این مجادلات، انجمن بلدیّه برای قانونی کردن اخذ عوارض شهری، نامه‌ای به مجلس می‌فرستد و با اعلام صورت عوارض درخواستی، خواستار تصویب نهایی آن می‌شود. در این زمینه، مجلس به تاریخ ذیقعه‌ی ۱۳۲۵ نامه‌ای به وزارت مالیه نوشت و درخواست کرد در صورتی که «ضرر فاحش ببودجه» وارد نشود، اوامر انجمن را اعمال کنند تا اینکه در این باره اخذ عوارض به اجازه وزارت مالیه معین می‌گردد.^۶

۱. اختلاف بین انجمن بلدی با رئیس مالیه اصفهان (میرزا اسدالله خان) در اختیارات اخذ مالیات بود. اسدالله معتقد بود که بر طبق مصوبه مجلس قرار شده همچو سنوات قبل مالیات‌گیری شود و معنی آن همانا اختیارات حکومت است. اما بلدیّه نسبت به برداشت ذهنی از نظامنامه خود از اصناف مالیات‌گیری می‌کرد.

۲. انجمن مقدّس ملی/اصفهان، سال اول، ش ۴۶، یکشنبه ۱۰ شوال ۱۳۲۵، صص ۷-۸.

۳. عبدالله مستوفی، (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، تهران، زوار، ص ۲۵۱. منظور، انجمن بلدی است که در اوایل کار در عالی قاپو مستقر بودند.

۴. انجمن مقدّس ملی/اصفهان، سال دوم، ش ۱، یکشنبه ۱۵ ذیقعه ۱۳۲۵، ص ۲.

۵. مجلس، سال اول، ش ۲۱۱، دوشنبه ۱۱ شوال ۱۳۲۵، ص ۳.

۶. اقدامات وثیق‌الملک رئیس بلدیّه اصفهان در خصوص ورود کالا به شهر، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، به شماره دستیابی ۵۲۴۲/۲۴۰، ۱۳۲۵، ق، سند شماره ۲.

۷. همان، سند شماره ۴.

سرانجام در پی اختلاف بین انجمن بلدی و حکومت اصفهان بر سر مالیات‌گیری، وثیق‌الملک به همراه حاجی محمدجعفر خوانساری از طرف انجمن راهی تهران شدند تا با مذاکره با وزارت داخله به راه‌حل مناسبی در این زمینه دست یابند.^۱ به نظر می‌رسد سفر وثیق‌الملک به تهران زیاد طول کشید؛ زیرا انجمن بلدی و ولایتی با نامه‌نگاری خواستار بازگشت وی شدند. در موردی، ادیب‌التجار در تلگرافی به تاریخ پنجشنبه ۲۷ ذی‌قعدة، معاونت وی را از وزارت مالیه خواستار می‌شود؛ زیرا غیبت وی را حمل بر اختلال در امور شهر معرفی می‌کرد.^۲ جواب وزرات مالیه در ۵ ذیحجه مشعر بر تلاش جهت روانه کردن وی بود.^۳

انجمن سرانجام توانست بر حکومت اصفهان غالب شود. در عوض، با کوتاه شدن دست حکومت از عوارض شهری، شایعه‌پراکنی حکومتیان شروع شد. در یک مورد، با بیان اینکه بلدیّه می‌خواهد بر همه چیز مالیات بگذارد، می‌خواستند جامعه را ملتهب کنند. در این میان، روزنامه‌ی *انجمن مقدس ملی اصفهان* با روشن‌بینی خاصی از واعظان صاحب کرسی می‌خواهد مردم را آگاه کنند و جریان مالیات‌گیری بلدیّه نسبت به زمان استبداد را روشن سازند، و تمیز دهند که مالیات‌گیری بلدیّه به خلاف زمان استبداد برای رفاه مردم است، نه اینکه مثل دوران پیش از مشروطیت به جیب مستبدان برود.^۴

ب. رابطه‌ی انجمن بلدیّه با انجمن ولایتی بسیار خوب بود. هر چند، گاهی اختلاف عقاید اختلافاتی را در این تعامل پدید می‌آورد، رشته‌ی تفاهم و همکاری از هم نمی‌گسست. از این گذشته، انجمن بلدی، انجمن ولایتی را حامی خود می‌دانست و حتی در اوایل، جایگاه انجمن ولایتی را برتر می‌شمرد و وابستگی بسیاری بدان داشت؛ تا جایی که در بیشتر جلسات انجمن ولایتی، نماینده‌ای از انجمن بلدیّه حضور داشت و به درخواست‌ها و سؤال‌های انجمن ولایتی پاسخ می‌گفت. این پاسخ‌ها در صورت مذاکرات انجمن ولایتی اصفهان بازتاب یافته است.^۵

۱. *ندای وطن*، سال دوم، ش ۱۴۷-۱۴۸، چهارشنبه ۳ ذیحجه ۱۳۲۵، ص ۷.

۲. اقدامات وثیق‌الملک رئیس بلدیّه اصفهان در خصوص ورود کالا به شهر، نک. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۲۲.

۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند شماره ۱۷.

۴. *انجمن مقدس ملی اصفهان*، سال دوم، ش ۸، ۵ محرم ۱۳۲۶، ص ۵.

۵. برای اطلاع بیشتر، نک. صورت مذاکرات انجمن ولایتی اصفهان در روزنامه *انجمن مقدس ملی اصفهان*.

اختلاف تجار با انجمن بلدیّه

مردم اصفهان از اقدامات انجمن بلدیّه تقریباً استقبال می‌کردند. این استقبال در مکتوبات عصر مشروطه کاملاً نمایان است.^۱ اما در این میان، منافع همه در راستای موفقیت اهداف انجمن بلدیّه نبود، بلکه عده‌ای بر اساس منفعتهای فردی یا صنفی، مصوبه‌های بلدیّه را به ضرر خود می‌دانستند و در برابر آن مقاومت می‌کردند.

از مهم‌ترین چالش‌های انجمن بلدیّه، اختلاف آنان با صنف تجار بود. ماجرا از آنجا شروع شد که انجمن بلدیّه بر برخی کالاهای پرسود مثل تریاک، پنبه و ... که از شهر خارج یا وارد می‌شد، عوارض شهری وضع کرد. این حرکت بلدیّه بر بزرگان تجار خوش نیامد و با نفوذی که در انجمن ولایتی و مجلس داشتند کوشیدند در این راه اختلال ایجاد کنند.

بلدیّه از تجاری که عوارض بلدی نمی‌پرداختند، بر اساس تلگراف ۲۳۹ سه محرم ۱۳۲۶ صادره از تهران، عوارض قانونی خواست. در این تلگراف عمده‌ی مجاری صورت خرج این عوارض، تنظیف شهر، تحصیل اطفال و نگاهداری فقرا و ضعفا مشخص شده بود.^۲

با بیشتر شدن دامن‌های اختلافات بین تجار و انجمن بلدی، برای حل مشکلات کمیسیون با حضور انجمن ولایتی و طرفین دعوا در خانه‌ی حاجی میرزا علی محمد گلستانه منعقد شد.^۳ اما نه انجمن بلدی از قوانین خود کوتاه می‌آمد و نه تجار از رویه قبلی خود برمی‌گشتند.

در این میان، موانع قانونی‌ای که انجمن برای خروج اجناس ایجاد کرده بود، تجار را به گشودن راه‌های غیرقانونی سوق می‌داد؛ برای مثال، «حسین یزدی پسر حاجی اصفهانی، برنج

۱. حمایت مردم اصفهان از انجمن بلدیّه در جراید، اسناد، خاطرات و گاه گزارش‌های سیاسی نمایندگان دولت‌های خارجی کاملاً نمایان است. به عنوان مثال، کتاب *نارنجی* از استقبال مردم اصفهان از اقدامات وثیق‌الملک گزارش می‌دهد؛ کتاب *نارنجی*، (۱۳۶۷)، ج ۱، ترجمه‌ی حسین قاسمیان، به کوشش احمد بشیری، تهران، نور، صص ۱۳۹-۱۴۰.

۲. *بلدیّه اصفهان*، سال اول، ش ۵، دوشنبه ۷ محرم ۱۳۲۶، ص ۲.

۳. *انجمن مقدّس ملی اصفهان*، سال دوم، ش ۹، شنبه ۱۲ محرم ۱۳۲۶، ص ۴.

را گذاشته بود در صندوق و روی آن صابون چیده بود گیر آمد چوب زیادی فی المجلس باو زدند و برنجهها و صابونش را هم بردند...»^۱

سرانجام، در پی اختلاف بین تجار و انجمن بلدی، تجار در روز شانزدهم محرم در مسجد شاه^۲ جمع شدند، تا با بستن بازار، مخالفت خود را با طرح‌های بلدی نشان دهند. اما این اقدام به دلیل حمایت نکردن مردم شکست خورد. مردم که به‌طور کلی از انجمن حمایت می‌کردند، دست به شورش زدند. در این میان، آدم‌های ناظم‌التجار خواستند خیاطی را که طرفدار سرسخت انجمن بود، بکشند که با هجوم مردم ناکام شدند. تجار وقتی نتوانستند بازار را با خود همراه کنند، چند باب کاروانسرای متعلق به خودشان را بستند که باز هم با برخورد سخت مردم روبه‌رو شدند.^۳

کار تجار و انجمن بلدی از آنجا با مشکلات جدی روبه‌رو شد که دو نفر از تجار در انجمن ولایتی صاحب کرسی بودند.^۴ همچنین، یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی، از تجار معروف و مرتبط با تجار فوق بود. با اعمال نفوذ نماینده‌ی تجار در مجلس، حکم انفصال انجمن از تهران صادر شد. اما هیجان عمومی باعث شد که علاءالملک که تازه به حکومت اصفهان منصوب شده بود، حکم ابقای انجمن بلدی را صادر کند.^۵ به هر طریق، اختلاف تجار با انجمن بلدی با میانجی‌گری علاءالملک، حکمران اصفهان و ثقة‌الاسلام پایان پذیرفت.^۶ پس از گفت‌وگوی بسیار، تجار راضی شدند مالیات به جزء تفاوتی از همان مبادی اخذ شود.^۷

۱. لطف الله احتشامی، «تجارت در سرای مخلص بازار قدیمی اصفهان در دوره قاجاریه (۱۳۲۵)»، در: گنجینه/سناد، ش ۳۷-۳۸، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۴۹.
۲. اهالی اصفهان اجتماع تجار در مسجد شاه را «مجمع مستبدین» نامیدند. صبح صادق، سال دوم، ش ۲۳، شنبه ۴ صفر ۱۳۲۶، ص ۲.
۳. رهنما، سال اول، ش ۲۱، ۱۱ صفر ۱۳۲۶، صص ۳-۴.
۴. نمایندگان تجار در انجمن ولایتی، حاج محمد حسین کازرونی و حاج محمد ابراهیم ملک‌التجار بودند.
۵. تاریخ مشروطیت ایران، صص ۱۸۳-۱۸۴.
۶. ندای وطن، سال دوم، ش ۲۳۰، شنبه ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۶، ص ۴.
۷. ایران، سال ۳۹، ش ۸، ۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، ص ۲؛ انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱۶، ۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، ص ۸.

فعالیت‌های بلدیّه

مردم از قوانین و فعالیت‌های بلدیّه استقبال زیادی می‌کردند.^۱ این امر به انجمن و اداره‌ی بلدیّه در اجرای منویاتشان کمک می‌کرد. آنها کارهای زیادی برای پیشرفت مادی و معنوی شهرنشینی انجام دادند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. انتشار روزنامه‌ی ارگان خبررسانی انجمن

نیاز روزافزون به گسترش اخبار و اطلاع‌رسانی، انجمن بلدیّه را بر آن داشت تا با مدیریت یکی از اعضای برجسته و فعال انجمن، میرزا نورالدین مجلسی، روزنامه‌ای منتشر سازد. میرزا نورالدین صاحب امتیاز نشریه فرج بعد از شدت بود که پس از سه شماره، نام آن را به انجمن بلدیّه تغییر داد.^۲ بعد از توقف انتشار آن، روزنامه بلدیّه اصفهان از سوی عباس خان شیدای دهکردی تأسیس شد.

۲. تأمین مایحتاج شهری و جلوگیری از احتکار، کمبود و گرانی ارزاق

طبق ماده ۲ تبصره ۳ نظامنامه بلدی، مسئولیت جلوگیری از قحطی در شهر بر عهده‌ی انجمن بود. به همین خاطر، هر از گاهی، انجمن قوانینی را وضع می‌کرد تا از خروج بعضی اقلام از شهر جلوگیری کند. در اواسط شوال ۱۳۲۵، انجمن بلدی خارج کردن روغن را از شهر قدغن کرد. با این احوال، برخی «شتردارها» موازین انجمن را نادیده گرفتند و با رشوه دادن و کمک «کرکابی‌ها» به خارج شهر گریختند. اما با اطلاع یکی از مأموران بلدی به نام زین‌العابدین خان دستگیر و به شهر عودت داده شدند.^۳

۱. به عنوان مثال، «یکزمانی این انجمن حکم میکند در خانها را چراغ میگذارند و مردم در کمال میل و رغبت خودشان بدون حکم چراغ گذاشتند دیگر آنکه ارامنه جلفا عریضه عرض کرده بودند که اهل جلفا بنرخ انجمن اجناس را نمیفروشد حکمی از انجمن داده شد که باید اجناس را بنرخ که از انجمن معین شده بفروشند و تخلف نکنند دیگر آنکه میوه فروش‌های چهار سوق شیرازی‌ها عرض کردند که تا نرخ خربوزه معین شده اهل میدان کهنه تمام خربوزه را میبرند و نمیگذارند بما برسد حکم شد آنچه خربوزه دارد می‌شود بتمام شهر تقسیم شود.»/انجمن بلدیّه، سال اول، ش ۸، شوال ۱۳۲۵، ص ۳.

۲. انجمن بلدیّه، فرج بعد از شدت، ش ۴، رمضان ۱۳۲۵، ص ۱.

میرزا نورالدین مجلسی درباره تأسیس جریده انجمن بلدیّه می‌گوید: «انجمن مقدس لابد باید جریده مفصلی داشته باشد که آنچه مذاکره می‌شود همه روزه در انجمن در آن جریده درج شود.» همان، ص ۲.

۳. همان، ش ۱۰، شوال ۱۳۲۵، صص ۳-۴.

در موردی دیگر، کمبود مواد غذایی در اصفهان انجمن بلدی را مجبور کرد صدور میوه و برنج را از اصفهان به یزد ممنوع کند؛^۱ تا این حد که «سوار معین فرمودند که بروند سر راهها را محافظت کند و التزام بگیرد که برنج را حمل بسایر بلاد نکنند.»^۲

۳. تعیین نرخ ارزاق و حفظ تعادل آن در بازار

تعیین نرخ ارزاق و تعادل آن در بازار یکی از مهم‌ترین وظایف انجمن بود. برای مثال، در زمینه‌ی تعیین نرخ یوشن، آن را «یکشاهی از خریدار و نیم شاهی از فروشنده... و یوشن مرغوب را سیصد دینار و غیر مرغوب را پنجشاهی» قرار دادند.^۳ همچنین، نرخ زغال و هیزم را شکستند.^۴

۴. تشکیل پلیس

برآورده نشدن خواسته‌های کدخدایان و داروغه‌ها اولین جرقه‌ی تشکیل نیروی پلیس از سوی انجمن بلدیه بود. چنانچه اعتراض کدخدایان و داروغه‌ها نسبت به پرداخت نشدن مطالباتشان، به استعفای دسته‌جمعی آنان منجر شد.

حاکم در پیامی به انجمن ولایتی اعلام کرد که داروغه‌ها و کدخدایان محلات، به واسطه‌ی کمیت موجب از عهده آن خارجند و این امر خوب است به اداره بلدیه سپرده شود.^۵ بی‌گمان، این اندیشه از ذهنیت مستبدان برخاسته بود که می‌کوشیدند با ایجاد ناامنی و فساد، شاخص‌های انجمن بلدی را از ذهنیت مردم مرتفع کنند.

۱. تجارت در سرای مخلص... ص ۴۹؛ مجلس، سال اول، ش ۲۲۱، چهارشنبه ۲۷ شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۲. انجمن بلدیه، سال اول، ش ۷، شوال ۱۳۲۵، ص ۳.

۳. همان، ش ۵، رمضان ۱۳۲۵، ص ۲.

۴. حبل‌المتین کلکته، سال پانزدهم، ش ۲۳، دوشنبه ۲۴ ذیقعد ۱۳۲۵، ص ۱۳.

۵. انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۲، یکشنبه ۱۵ ذیقعد ۱۳۲۵، ص ۶.

به نوشته‌ی کتاب نارنجی، وثیق‌الملک در جهت انتظام امور شهری به فکر ایجاد پلیس افتاد. چنانچه مخارج سنگین این عمل را بر پایه عوارض شهری نهاده بود که با مخالفت حاکم مواجه شد. براساس این نظر، به تهران رفت و موافقت وزیر داخله و نظام‌السلطنه را جلب و اصلاحات شهری را شروع کرد؛ کتاب نارنجی، ص ۱۲۳؛ ولیکن با رجوع به صورت مذاکرات انجمن ولایتی اصفهان چنین برداشتی نمی‌شود. به نظر می‌رسد بعدها اعضای بلدی این پیشنهاد را به وثیق‌الملک داده باشند و او هم در تهران این عمل را پیگیری کرده باشد.

انجمن ولایتی اصفهان هم در برخورد با چنین حادثه‌ای، به مذاکره با انجمن بلدیه پرداخت و قرار شد نظم شهر موقتاً در اختیار انجمن مزبور باشد.^۱ بر این اساس، به همت انجمن بلدی، قرار لازم با کدخدایان گذارده شد.^۲ به این ترتیب، انجمن زین‌العابدین خان را با عده‌ای سرباز مأمور گشت شبانه کرد و به‌طور ضمنی نسبت به انجمن ولایتی امنیت شهر را تضمین کرد.^۳

به هر ترتیب، با اصرار حاکم و انجمن ولایتی^۴ و تأیید نهایی وثیق‌الملک، اداره پلیس اصفهان در اختیار بلدیه قرار گرفت و از ماه ذیحجه وظیفه‌ی تأمین نظم و ترتیب در شهر به بلدیه واگذار شد.^۵ ریاست نظمیه به پسر جناب وثیق‌الملک سپرده شد و از قرار معلوم، تا ماه ربیع‌الاول ۱۳۲۶، شصت پلیس به استخدام درآمد.^۶

فعالیت‌های وثیق‌الملک توجه مردم را جلب کرد و آنها از عملکرد وی در بلدیه استقبال شایسته‌ای کردند.^۷ اما به نوشته‌ی کتاب نارنجی، وی مجبور بود نظر مخالف برخی روحانیان را درباره‌ی مسائل شهری مطمح نظر قرار دهد.^۸ با این حال، مجتهدان با هدف افزایش اعتبار خود، با ایجاد پلیس از سوی وثیق‌الملک موافقت کردند.^۹

۱. جهاد اکبر، سال اول، ش ۳۹، ذیقعه ۱۳۲۵، ص ۸.

۲. انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۲، ۲۲ ذیقعه ۱۳۲۵، ص ۲.

۳. جهاد اکبر، سال اول، ش ۴۰، ذیقعه ۱۳۲۵، ص ۶.

۴. انجمن مقدس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۴، شنبه ۶ ذیحجه ۱۳۲۵، ص ۸.

۵. همان، ش ۵، شنبه ۱۳ ذیحجه ۱۳۲۵، ص ۶.

۶. همان، ش ۱۴، شنبه ۱۸ صفر ۱۳۲۶، ص ۵؛ ایران، سال ۳۹، ش ۸، ۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، ص ۲.

۷. از جمله عواملی که موجب وفاداری مردم نسبت به انجمن بلدی و شخص رئیس آن می‌شد، ماهیت اخلاقی اعضای انجمن بود. چنانچه زمانی به انجمن ولایتی خبر آوردند که اعضای انجمن بلدیه «برخاستند، رفتند». اصل قضیه این بود که «یک نفر علاف، از میزان نرخی که اداره بلدیه برای ذغال معین نموده‌اند تخلف کرده و اعضا می‌خواستند مجازات او را بدهند توسط [میانجی‌گری و وساطت] نموده‌اند. به این جهت، اعضای انجمن بلدیه برخاسته‌اند». انجمن ولایتی با مواجهه با این جریان چند نفر از اعضای بلدی را احضار کرد تا بتواند انجمن را حفظ نماید. اما با برخورد قاطعانه‌ی اعضا روبه‌رو شدند که گفتند «چنانچه حال که آغاز کار است بنای رشوه و توسط باشد، کار صحیح نمی‌شود». انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۳، یکشنبه ۱۹ رمضان ۱۳۲۵، ص ۷.

۸. کتاب نارنجی، صص ۱۳۹-۱۴۰.

۹. همان، صص ۱۶۷-۱۶۸.

پس از واگذاری امنیت شهر به بلدیه، مستبدان به تخریب و دزدی و کارهایی از این قبیل پرداختند تا امنیت شهروندان را به مخاطره افکنند و نهاد بلدیه را ضعیف کنند. از جمله اینکه، بعدها چند دزدی در شهر صورت گرفت که حکومت اعلام کرد نظم شهر در اختیار بلدیه است.^۱ با وجود این خرابکاری‌ها، امنیت شهر پس از تأسیس نیروی پلیس مردمی ارتقاء یافت؛ تا حدی که کتاب نارنجی اذعان می‌کند تشکیل پلیس حتی بر پایین آمدن نرخ ارزاق هم مؤثر بود.^۲

این حوادث باعث شد حکومت به شکست فاحش خود در سپردن پلیس به بلدیه پی برد؛ زیرا چندی بعد، با تغییر رویکرد حکومت، وزیر به انجمن ولایتی اعتراض کرد «که نظمیّه با من می‌باشد و اداره بلدیه مداخله می‌کند.»

انجمن ولایتی پس از بررسی این مسئله و مذاکره با وکلای بلدی اعلام کرد که انجمن، حکمی از آصف‌الدوله، وزیر داخله در دست دارد، مبنی بر اینکه اداره‌ی نظمیّه به وثیق‌الملک واگذار شده است. اگر ناسخ آن را در دست دارید، اظهار نمایید.^۳ علی‌ای حال، این ماجرا نشان می‌دهد که ترفندهای مستبدان برای بدنام کردن بلدیه به جایی نرسید و آنها از واگذاری این نهاد اجرایی مهم به بلدیه نادم بودند.

۵. حفظ بهداشت عمومی

نخستین باری که انجمن به این وظیفه‌ی مهم نظر افکند، اعتراض میرزا محمودخان تلگرافچی به اوضاع بهداشتی بود. میرزا محمودخان «... ذکر نمود که مطابق قانون بلدیه یکی از تکالیف انجمن اینست که در حفظ صحّت نوع اقدام نمایند و از جمله آن منع کردن قصابها است که در شهر گوسفند نکشند که این مطلب اسباب عفونت هوا و تکوین میکروب وبا و سایر امراض مسریه و دردهای بی دواست و یکی از کسانیکه مشغول اینکار است غلامرضا نامی است...»^۴ انجمن در این راستا کشتار دام را در شهر ممنوع کرد. انجمن،

۱. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۴، شنبه ۶ ذیحجه ۱۳۲۵، ص ۳.

۲. کتاب نارنجی، صص ۱۶۷-۱۶۸.

۳. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱۱، ۲۶ محرم ۱۳۲۶، ص ۸؛ همان، ش ۸، ۵ محرم ۱۳۲۶،

ص ۲؛ بلدیه اصفهان، سال اول، ش ۵، دوشنبه ۷ محرم ۱۳۲۶، ص ۴.

۴. انجمن بلدیه، سال اول، ش ۴، رمضان ۱۳۲۵، ص ۲.

همچنین، در رفع «کثافتها»ی شهری کوشید و برنامه‌ی «تنظیف حمامها و کوچه‌ها» را دستور کار قرار داد.^۱

۶. مرمت و احیای آثار تاریخی و فرهنگی

از کارهای مهم بلدیّه، محافظت و مرمت از آثار و ابنیه‌ی تاریخی بود. تعمیر و مرمت میدان نقش جهان از مهم‌ترین اقدامات انجمن در این زمینه به‌شمار می‌رود.^۲ این اقدامات بارها مورد ستایش انجمن ولایتی هم قرار گرفت. در یک مورد، تقه‌الاسلام، شخصاً از مرمت «پل سی و سه سرچشمه» تقدیر و تشکر کرد.^۳ البته، انجمن ولایتی گه‌گاه تذکراهایی هم در این زمینه می‌داد؛ از جمله، درباره‌ی تخریب «اصطبل خاصّه سلاطین صفویّه»^۴ و تخریب کاروانسرای مهیار هشدار داده بود.^۵

۷. اعلام نرخ صحیح اجناس و مقابله با کم‌فروشی و گران‌فروشی^۶

انجمن بلدیّه با برخورداری از اختیارات قانونی، گران‌فروشان و کم‌فروشان را سیاست می‌کرد و به چوپ فلک می‌بست.^۷ پیکره‌ی جالبی که در روزنامه‌ی نقش جهان چاپ شده است، اقدامات سختگیرانه بلدیّه را به تصویر می‌کشد.^۸

۱. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۶، یکشنبه ۱۰ شوال ۱۳۲۵، ص ۳.

۲. ندای وطن، سال دوم، ش ۴، پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۳. جهاد اکبر، سال اول، ش ۴۰، ذی‌قعدة ۱۳۲۵، ص ۶.

۴. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۵، شنبه ۱۳ ذیحجه ۱۳۲۵، صص ۲-۳.

ریشه اصلی تخریب آثار و بناهای تاریخی و فرهنگی اصفهان به اندیشه‌ی اصلی مستبدان برمی‌گشت که خود را وارث هستی و نیستی مردم و شهر می‌دانستند. اینان، عمدتاً از نیروها و وابستگان ظل‌السلطان، حاکم مقتدر اصفهان بودند که برای مطامع شخصی خود، به تخریب «قصرهای سلطنتی و شکوه مملکتی» می‌پرداخت. چنین است که روزنامه انجمن بلدی درباره‌ی بناهای دولتی، از جمله میدان نقش جهان، به اطرافیان ظل‌السلطان می‌تازد که هر یک با داشتن نسبتی به تاراج اموال عمومی و تخریب اماکن تاریخی می‌پردازند؛ انجمن بلدیّه، سال اول، ش ۵، رمضان ۱۳۲۵، ص ۲؛ از آثار مهمی که به‌دست این مستبدان ویران شد، می‌توان به عمارت «نمکدان» اشاره کرد. همان، صص ۲-۴.

۵. همان، ص ۴.

۶. ندای وطن، سال دوم، ش ۴، پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۷. انجمن بلدیّه، سال اول، ش ۶، رمضان ۱۳۲۵، ص ۳.

۸. نقش جهان، سال اول، ش ۱، ۲۳ شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

در همین زمینه، مردم آشکارا و بدون ترس به انجمن بلدی اعتراض می‌کردند. در یک مورد، آنها از افزایش قیمت انگور در ماه مبارک رمضان به شدت ناراضی بودند و ارزان شدن آن را می‌خواستند. با پیگیری‌های انجمن بلدیّه «بعد از تحقیق و تدقیق زیاد قیمت انگور معین گردید که در حقّ بایع و مشتری حکم بعدل شده باشد.»^۱

۸. مبارزه با سدّ معبر در بازار و مکان‌های عمومی

در این باره، انجمن به معمارهای اداره دستور داد به بازار بروند و در جایی که «کسبه پیش نشسته‌اند و شارع عام را تنگ نموده‌اند»، سد معبر را خراب کنند.^۲

۹. تأسیس صندوق خیریه

هدف صندوق این بود که هر کس «بخواهد وجه اعانه بجهت فقرا و مساکین و تأسیس مدرسه فقرا و ایتمام و مریضخانه» کمک نماید محل مخصوصی داشته باشد.^۳

۱۰. نمره‌گذاری خانه‌ها^۴

۱۱. دخالت مستقیم در تعیین مواجب کارگران و قیمت اجناس بنّایی

انجمن بلدیّه در تعیین مواجب عمله و بنا دخالت مستقیم کرد و به استاد محمود معمارباشی ده روز فرصت داد «مزد بنّاء و عمله و آجر و آهک و گچ معین شود» که تکلیف معماران و مردم مشخص گردد.^۵

۱۲. اعلام مکتوب نرخ ارزاق

پس از اختلال و اغتشاش بر سر قیمت برخی از ارزاق، انجمن رسماً اعلام کرد اعلامیه قیمت‌ها به صورت چاپی در سطح شهر چسبانیده خواهد شد.^۶

در این پیکره، اداره بلدی قصابی را به جرم گران‌فروشی به فلک بسته است و در این میان، دو نفر دربارهی اهمیت بلدیّه و عملکرد خوب آن گفت‌وگو می‌کنند.

۱. انجمن بلدیّه، سال اول، ش ۷، شوال ۱۳۲۵، صص ۱-۲.

۲. همان، ص ۲؛ مجلس، سال اول، ش ۲۲۱، چهارشنبه ۲۷ شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۳. انجمن بلدیّه، سال اول، ش ۸، شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۴. ندای وطن، سال دوم، ش ۴، پنجشنبه ۲۸ شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۵. انجمن بلدیّه، سال اول، ش ۸، شوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۶. همان، ص ۴.

۱۳. جلوگیری از ساخت کالای تقلبی

در این زمینه آمده است: «خاتم‌سازها عارض بودند که آئینه‌سازها بتقلب شغل ما را از میان برده‌اند و کاغذ بشکل خاتم درست کرده‌اند و بآئینه میچسبانند و ارزان میفروشند و رعیت دهات هم تمیز نمیدهند لهذا صنعت خاتم‌سازی منسوخ شده». به همین دلیل، اداره‌ی بلدی شورایی بر پا و موازینی پیشگیرانه وضع کرد تا جلوی تقلب را بگیرد.^۱

۱۴. نصب چراغ و روشن کردن خیابان‌ها و کوچه‌ها^۲

از گزارش‌های روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان برمی‌آید که به همت انجمن بلدی، کوچه‌ها و خیابان‌ها با «چراغهای متعدده روشن و منور» شده بود.^۳ البته انجمن بلدی در این کار با مشکلاتی هم روبه‌رو بود. مثلاً انجمن از سرقت و شکستن چراغ‌های معابر شکایت می‌کند و هویت اشرار و سارقین را «معین» می‌داند.^۴

۱۵. جلوگیری از ستم و اجحاف به اقوام و مذاهب مختلف

با توجه به این مرام، انجمن بلدی یهودیان را در حقوق شهروندی آزاد اعلام کرده بود. به نظر می‌رسد اعلام آزادی یهودیان، بیشتر در زمینه مبادلات تجاری و ارزاقی بوده است. به هر حال، این اقدام بلدیّه زمینه‌های توطئه‌ی مستبدانی را که از عملکرد انجمن خشمگین بودند، فراهم آورد و آنان را واداشت از این هدف والا در جهت سوءاستفاده از انگیزه‌ی دینی و تحریک خشک مقدسان و متحجران استفاده کنند. اعتراضات سادات هم از این چهارچوب خارج نبود. در ماجرای این اعتراضات، یک یهودی را به شدت کتک زدند و انگیزه‌شان این بود که «حکم انجمن شده است که شما در امان باشید و کسی متعرض شما نباشد من مخصوصاً ترا میزنم...»^۵

۱. همان، ش ۱۰، سوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۲. ندای وطن، سال دوم، ش ۴، پنجشنبه ۲۸ سوال ۱۳۲۵، ص ۴.

۳. انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۴۶، یکشنبه ۱۰ سوال ۱۳۲۵، ص ۳.

۴. همان، سال دوم، ش ۱، یکشنبه ۱۵ ذیقعه ۱۳۲۵، ص ۴.

۵. همان، سال اول، ش ۴۶، یکشنبه ۱۰ سوال ۱۳۲۵، صص ۵-۶.

درآمد انجمن بلدیه

۱. درخواست محل‌هایی برای تأمین بودجه بلدیه:

انجمن بلدی در طی درخواستی از مجلس شورای ملی به تاریخ آخر ذیقعد ۱۳۲۵، محل‌های زیر را برای تأمین بودجه بدلیه درخواست می‌کند: میدان سوق‌الدواب و محمدیه، قهوه‌خانهها، هوایی میدان قدیم، تریاک، تنباکو، پوست، زغال، صابون، برنج، قپانداری و به اضافه عوارض کالسکه و گاری کرایه و بازار جوزق و پنبه و کسکچی‌گری.^۱

مجلس هم با ارجاع این درخواست به شخصی مجهول‌الهویه خواستار بررسی آن می‌شود. پس از بررسی، منابعی که باعث پیشرفت کار بلدی و خیر و صلاح آن می‌گردد، از این قرار به رسمیت شناخته می‌شود: «آنچه با مطالعه اطراف بنظر بنده میرسد و خیر و صلاح و پیشرفت کار ایالت و اداره بلدیه هر دو را در آن میدانم این است که هوایی میدان قدیم و تریاک و تنباکو و پوست محموله بخارجه و صابون و مغز و برنجی که حمل میشود بضمیمه کالسکه و گاری کرایه و بازار جوزق و پنبه و کسکچی‌گری واحد دکان اگر بداره بلدیه شود ضرری نداشته باشد بلکه گمان میکنم که اگر اینها بترتیب صحیحی در تحت نظر اداره بلدیه عمل بشود عایدات و ترقیات آن بیش از حد تصور حالیه باشد و کفایت همه قسم مخارج بلدیه را بکند ولی سوق‌الدواب و قهوه‌خانهها و خانات و فواکه و زغال و قپانداری ناچار بعقیده بنده باید جزو عمل حکومت باشد والا باید عوض آن را دستی بایالت داد و ضرر آن راجع بدولت خواهد بود این بود صلاحدید بنده حالا هر طور که مجلس مقدس تصویب فرماید مطاع خواهد بود...»^۲

۲. اخذ وجه اجاره از ساختمان‌هایی که درون ابنیهی تاریخی قرار داشت، یا بدان وابسته بود:

در این زمینه آمده است: «...قهوه‌خانه‌های میدان نقش جهان که جزو اطاقهای آنست و مداخله آن به موجب قانون بلدیه با انجمن بلدیه است باید وجه اجاره آن گرفته شود و بمصرف تعمیرات خود میدان نقش جهان برسد...»^۳ چنین است که بعد از پیگیری‌های انجمن، «قهوه‌چی‌های میدان آمدند و قهوه‌خانه‌های میدانرا از انجمن اجاره کردند.»^۴

۱. اقدامات وثیق‌الملک، رئیس بلدیه اصفهان درباره‌ی ورود کالا به شهر، سند شماره ۷-۴.

۲. همان، سند شماره ۸.

۳. انجمن بلدیه، سال اول، ش ۵، رمضان ۱۳۲۵، ص ۲.

۴. همان، ش ۷، ۲ شوال ۱۳۲۵، ص ۲.

۳. وضع تعرفه مالیاتی روی برخی اقلام:

الف. تریاک: وضع تعرفه مالیاتی روی تریاک، یکی از مهم‌ترین اندیشه‌های اقتصادی انجمن بلدی بود؛ زیرا اصفهان از بزرگ‌ترین صادرکنندگان تریاک شناخته می‌شد. بر طبق آمار، تولید تریاک ایران در سال ۱۸۶۸-۱۸۶۹ م در حدود ۱۵۵۰۰ من شاهی بود که سهم اصفهان از این تولید به ۵۰۰۰ من می‌رسید؛^۱ تا جایی که عواید ناشی از صادرات تریاک در بین سالیان ۱۳۲۵-۱۳۲۶ ق ۱۶,۹۲۰,۲۹۲ قران برآورد شده است.^۲ اگر ثلث آن را هم در نظر بگیریم، قریب ۵,۶۴۰,۰۹۷ قران سهم اصفهان می‌شود. به نظر می‌رسید علت مخالفت اصلی تجار همین بود.

ب. پنبه و جوزق: پنبه‌کارها معترض بودند که گرفتن مالیات از «جوزق و نداف‌ها» در زمان مظفرالدین‌شاه موقوف شده، اما انجمن بلدیّه آن را گرفته است. بلدیّه در پاسخ اعلام کرد که خرج ملزومات نظمیه (از قبیل لباس) را ایالت کبری به گردن بلدیّه انداخته است، که از جمله «مخّال خرج اینها هوائی پنبه میباشد و دو پاکت جوف»، بنابراین اگر بلدیّه اقدام در جهت منبع درآمد ننماید چگونه می‌تواند از عهده مخارج برآید.^۳ وضع عوارض تازه روی اقلام ورودی و خروجی شهر و اعلام وضع عوارض بر کالاهای تجار انگلیسی از سوی ملک‌التجار اصفهانی، اعتراض سفارت انگلیس را در پی داشت؛ زیرا آنان معتقد بودند که اخذ این عوارض خلاف فصل سوم نظامنامه‌ی گمرکی است. بدین خاطر، از وزارت خارجه می‌خواهند تدابیر لازم ملزوم گردد.^۴ سواد مراسله‌ی انگلیس بدین شرح است: «قنصل جنرال انگلیس مقیم اصفهان بدوستار اطلاع میدهد وثیق الملک رئیس بلدیّه اصفهان اعلانی در آن شهر چسبانیده که بمشارالیه اجازه داده شده است که از هر محصولی دروازه‌بانی بگیرند محصول مزبور اسم برده ولی دروازه‌بانی را ننموده است علاوه بر این از قرار معلوم ملک‌التجار از تجار انگلیس خواسته است از هر چیزی که برای حمل بخارج

۱. چارلز عیسوی، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، گستره، ص ۳۷۰.

۲. محمدعلی جمالزاده، (۱۳۳۵)، گنج شایگان، برلین، انتشارات اداره کاوه، ص ۳۰.

۳. انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال دوم، ش ۱۴، شنبه ۱۸ صفر ۱۳۲۶، ص ۳.

۴. اقدامات وثیق‌الملک رئیس بلدیّه‌ی اصفهان درباره ورود کالا به شهر، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سند

وارد شهر می‌نمایند صورتی بدهند که بعد عوارض جدید را بپردازند احتیاج باظهار نیست که این عوارض بکلی برخلاف عهدنامه است خاطر محترم عالی را مراجعه میدهم بفصل سیم نظامنامه گمرکات ایران که در آن ذکر شده است که تمام عوارض از قبیل دورازه‌بانی و خانات و میداناری و غیره معاف خواهد بود خواهشمندم مقرر فرمائید احکام لازمه فوریه باصفهان فرستاده شود که در آنجا اعلام نمایند که اینرفستار باین اعلانات مخالف عهدنامه» از درجه اعتبار ساقط است.^۱ ولی عوارض تنباکو - که برای تجار خارجی بسیار مهم بود- با نظر مجلس شورای ملی، جزء عمده بلدیّه محسوب شد.^۲

۴. عوارض تنباکو:

عوارض تنباکو تا قبل از تأسیس انجمن بلدی به حکومت اصفهان کارسازی می‌شد. ولی بعد از تأسیس بلدیّه، از طرف وزارت مالیه به انجمن بلدی داده شد. مقرر شد ربع آن در اختیار مستشارالسلطان که کمیسر دولت انگلستان است، کارسازی شود. عوارض هر کیسه چهار هزار دینار مشخص شده بود.^۳

فرجام انجمن بلدیّه

درباره‌ی فرجام انجمن بلدی خبر خاصی در منابع نیست. به نظر می‌رسد سرانجام، دست‌های پنهان «اهل نفوذ شهر» کار خود را کرد. آنها چون وجود انجمن و اداره‌ی بلدیّه را «برخلاف مصلحت و منافع شخصیّه» خود می‌دیدند،^۴ در راه تخریب این نهاد گام برداشتند؛ تا جایی که با هزاران مکر و دسیسه، وثیق‌الملک را مجبور به استعفا کردند.^۵

۱. همان، سند شماره ۲۰.

۲. همان، سند شماره ۳۶.

۳. همان، سند شماره ۳۷-۳۸.

۴. منظور کشکول از دست‌های پنهان «اهل نفوذ شهر» کاملاً مشخص است. با تورق در این نوشتار، مشخص می‌شود که چند جریان پیوسته برای تضعیف انجمن بلدی گام برمی‌داشتند این جریان شامل برخی افراد و اصنافی بود که اهداف انجمن بلدیّه را با منافع خود همسو نمی‌پنداشتند. مستبدان پیوسته به دربار و شاهزادگان، حکومت اصفهان و ... از دیگر گروه‌های تضعیف‌کننده‌ی انجمن بودند.

۵. کشکول اصفهان، سال دوم، ش ۲۰-۲۱، پنجشنبه ۲۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۷، ص ۷.

انجمن بلدی پس از استعفای وثیق‌الملک فروغ‌چندانی نداشت و نفعی به عموم نمی‌رسانید.^۱ قدرت انجمن بلدیه هم در اثر مخالفت حاکم و سایر مستبدان به زوال گرایید. در این میان، صدای روزنامه‌ی *ناقور*^۲ بلند شد که «اداره بلدیه چهار ماه پیش آنقدر حرارت بخرج داد که نزدیک بود در آسمان ماهی را کباب کند چنان موازین و مقادیر و قسم منظم شد که کاسبها وسواس گرفتند آقای خباز در عوض یکمرتبه پنجاه مرتبه کفه ترازو را بلند میکرد و با خود میگفت نشد مبادا خدا نکرده درست نباشد و انوقت (کلمه ناخوانا) بالا برد حالا بینیم چه عرض کنم پنجاه نان بیست و پنج نیست دادرس هم نیست امر نرخ و وزن بدست کاسبها شده چوب و فلک اداره را هم تار عنکبوت گرفته فراشان هم از بیکاری میدان شاه را قدم میزنند و خرج برای ملت میتراشند چند هفته پیش یکروز دستها را از عبا درآوردم هزار لا حول و حوقله خواندم یواش یواش پاورچین پاورچین با هزار انا انزلنا رفتیم تو اطاق بلدیه گفتم آقایان اگر اجازه هست عرض دارم دیدم کسی جواب نداد دو مرتبه عرض کردم جواب نیامد سه مرتبه و چهار مرتبه عاقبت دیدم یکنفر سر بلند کرد گفت قباحت دارد بیشرم چرا نمیگذاری بحساب برسیم گفتم آقا عرض دارم گفت حالا وقت ندارم گفتم یک کلمه بیشتر ندارم گفت خفه شو بچه‌ها بچه‌ها بیایید این فضول آقا را ببرید کارت بیندازید...»^۳

به نظر می‌رسد انجمن بلدی در اواخر ربیع‌الاول ۱۳۲۶ از هم پاشیده است؛ زیرا روزنامه‌ی *انجمن مقدس ملی اصفهان* در ستون طنز روزنامه به نام «مناظره‌ی شیخ و شاب» از نبود بلدیه سه بار گلایه می‌کند.^۴ با منحل شدن انجمن، در اواخر عمر مجلس اول مقرر شد انتخابات بلدی برای بار دوم برگزار شود. در این زمینه، روزنامه‌ی *ناقور* درباره‌ی انتخاب وکلای انجمن بلدیه مقاله‌ای غرّاً می‌نویسد.^۵ روزنامه مجلس هم شروع و

۱. مجلس، سال دوم، ش ۱۱۹، دوشنبه ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، ص ۴.

۲. *جریده ناقور* بنا به دلایل نامعلوم، نظر خوبی نسبت به انجمن و اداره وقت بلدیه نداشت.

۳. *ناقور*، سال اول، ش ۱، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، ص ۷.

۴. نک. *انجمن مقدس ملی اصفهان*، سال دوم، ش ۱۸، ربیع‌الاول ۱۳۲۶، ص ۸؛ همان، ش ۲۴، ۲۹

ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، ص ۷؛ همان، ش ۲۶، ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶، ص ۴.

۵. *ناقور*، سال اول، ش ۲، سه‌شنبه ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، ص ۵.

پایان انتخابات^۱ و برپایی انجمن بلدی را نوید می‌دهد مشروط بر اینکه «بست و تحصن و مشروط نمودن» موقوف باشد.^۲

انجمن بلدی پس از بازگشایی در دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی، دیگر قدرت دوره‌ی اول خود را نداشت، به طوری که نشریات مادام از آن انتقاد می‌کردند. روزنامه‌ی پروانه که از کارهای بلدی سرخورده بود، با شمردن مزیت‌های بلدی‌های دوره‌ی اول می‌نویسد که وثیق‌الملک «طعم مشروطیت» را به مردم اصفهان چشانند.^۳

نتیجه‌گیری

حضور مردم در جنبش آزادی‌خواهی و رهایی از استبداد، هر چند شروعی خوب و آرام داشت، در پایان دوره اول، روزگار شوم و خونینی را سپری کرد. در این دوره‌ی گذار، مردم از چند راه با مفهوم و اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و مردم‌سالارانه آشنا شدند. بی‌گمان، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین روش، جدا از انتقال دانش سیاسی از طریق جراید و انجمن‌های بی‌شمار دوره‌ی اول مشروطیت، ملموس ساختن این دموکراسی از طریق عملکرد انجمن بلدی بود که خود مردم نقش اصلی را در آن ایفا می‌کردند. انجمن بلدی‌های اصفهان، همچون همتایان خود در دیگر شهرها، با بی‌مهری حاکمیت روبه‌رو شد، تا جایی که در اواخر عمر مشروطیت اول، مقاومت این انجمن در برابر سنگ‌اندازی مستبدان، حکومت اصفهان و برخی اصناف، همچون تجار، سرانجام در هم شکست؛ اما توانست در مدتی اندک، توجه بخش چشمگیری از مردم اصفهان را جلب کند و کارنامه‌ی مناسبی از خود بر جای گذارد.

۱. مجلس، سال دوم، ش ۱۳۱، دوشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶، ص ۲.

۲. همان، ش ۱۴۹، سه‌شنبه ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۶، ص ۲.

۳. پروانه، سال اول، ش ۲، سه‌شنبه ۱۴ شوال ۱۳۲۸، ص ۸.

منابع و مأخذ

کتاب‌ها و مقالات

- احتشامی، لطف‌الله، (۱۳۷۹)، «تجارت در سرای مخلص بازار قدیمی اصفهان در دوره قاجاریه (۱۳۲۵)»، گنجینه اسناد، سال دهم، شماره‌های ۳۷-۳۸.
- رجایی، عبدالمهدی، (۱۳۸۴)، «انجمن ایالتی و خواسته‌های اجتماعی مردم اصفهان»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال دوم، شماره ۶.
- _____، (۱۳۸۵)، تاریخ مشروطیت ایران، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- جابری اصفهانی، میرزا حسن خان، (۱۳۳۰ ق)، تهذیب‌الاخلاق به همراه رساله اصفهان و ری، چاپ سنگی.
- جمالزاده، محمدعلی، (۱۳۳۵)، گنج شایگان، برلین، انتشارات اداره کاوه.
- عسکرانی، محمدرضا، (۱۳۷۸)، «نقش مردم اصفهان در نهضت مشروطیت ایران»، مجموعه مقالات، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- عقیلی، سید احمد، (۱۳۸۵)، نگرشی بر مشروطیت اصفهان، اصفهان، سازمان تفریحی شهرداری اصفهان.
- عیسوی، چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، گستره.
- کتاب نارنجی، (۱۳۶۷)، ترجمه‌ی حسین قاسمیان، به کوشش احمد بشیری، تهران، نور.
- مستوفی، عبدالله، (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، تهران، زوار.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، (۱۳۲۵)، تهران، اداره روزنامه رسمی کشور.
- ملک‌زاده، مهدی، (۱۳۶۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، علمی.

روزنامه‌ها

- اصفهان، سال اول (۱۳۲۵ ق)
- الجناب، سال اول (۱۳۲۵ ق)
- ایران، سال سی و نهم (۱۳۲۶ ق)
- انجمن بلدیّه، سال اول (۱۳۲۵ ق)
- انجمن مقدّس ملی اصفهان، سال اول و دوم (۱۳۲۶-۱۳۲۵ ق)
- بلدیّه اصفهان، سال اول (۱۳۲۵ ق)
- پروانه، سال اول (۱۳۲۸-۱۳۲۹ ق)
- جهاد اکبر، سال اول (۱۳۲۵ ق)
- حبل‌المتین کلکته، سال پانزدهم (۱۳۳۵ ق)
- رهنما، سال اول (۱۳۲۶ ق)

۱۲۰ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۷

صبح صادق، سال دوم (۱۳۲۶ ق)
کشکول اصفهان، سال دوم (۱۳۲۷ ق)
مجلس، سال اول و دوم (۱۳۲۵-۱۳۲۶ ق)
ناقور، سال اول (۱۳۲۶ ق)
ندای اسلام، سال اول (۱۳۲۵ ق)
ندای وطن، سال دوم (۱۳۲۵-۱۳۲۶ ق)
تقش جهان، سال اول (۱۳۲۵ ق)

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی، شماره دستیابی ۲۴۰/۵۲۴۲. (اقدامات وثیق الملک، رئیس بلدیة اصفهان در زمینہی ورود کالا به شهر)

